

عنوان مقاله:

کهن الگوی عشق در نمایشنامه سلطان مار بهرام بیضایی

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 16، شماره 30 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

حیدر علی شکاکی - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

محمدعلی محمودی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

محمود حسن آبادی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

خلاصه مقاله:

یونگ در مکتب روان شناسی خود، محتوا و درون مایه ناخودآگاه جمعی را کهنالگو می داند. عشق یکی از برجسته ترین کهن الگوهای روان بشر است که از دیرباز، ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است، اساطیر و متون ادب فارسی، عرصه وسیعی از جلوه های کهن الگوی عشق به شمار می آیند؛ نمایشنامه سلطان مار اثر بهرام بیضایی که یک اثر اسطوره ای و عاشقانه است، داستان عشق خانم نگار و سلطان مار را روایت می کند که دو قهرمان اصلی نمایشنامه از طریق فرافکنی، ویژگی ها و حالات روانی دنیای درون خود را در دنیای بیرون مجسم می کنند. در این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی ضمن تحلیل کهن الگوی عشق در نمایشنامه سلطان مار دیگر کهن الگوهای یونگی نیز تفسیر شده است زیرا جلوه های آنیما و آنیموس در خلال مفهوم کهن الگوی عشق با دیگر کهن الگوها و نمادهای روانشناسانه تلفیق یافته است. قهرمانان این نمایشنامه با اکسیر عشق برسایه پیروز می شوند و نقاب های خود را کنار می گذارند و به فرایند فردیت و کمال دست می یابند

کلمات کلیدی:

کهن الگوی عشق، سلطان مار بهرام بیضایی، آنیما و آنیموس، یونگ، فرایند فردیت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/860927>

